

نکات اخلاقی

تا این بت شکسته نشود...

امام خمینی رحمه الله در نامه ای به فرزند خود نوشته است: پسر، آنچه مورد نکوهش و اساس شقاوتها و بدبختیها و هلاکتها و رأس تمام خطاها و خطیئه هاست، حب دنیا است که از حب نفس نشأت می گیرد. عالم مُلک مورد نکوهش نیست، بلکه مظهر حق و مقام ربوبیت اوست و مهبط ملائکه الله و مسجد و تربیتگاه انبیا و اولیا علیهم السلام است و عبادتگاه صلحا و محل جلوه حق بر قلوب شیفتگان محبوب حقیقی، و حب به آن، اگر ناشی از حب به خدا باشد و به عنوان جلوه او - جل و علا - باشد، مطلوب و موجب کمال است و اگر ناشی از حب به نفس باشد، رأس همه خطیئه هاست.

پس دنیای مذموم در خود توست. علاقه ها و دلبستگیها به غیر صاحب دل موجب سقوط است. همه مخالفتها با خدا و ابتلا به معصیتها و جنایتها و خیانتها از حب خود است که حب دنیا و زخارف آن و حب مقام و جاه و مال و منال از آن نشأت می گیرد. در عین حال که هیچ دلی به غیر صاحب دل، به حسب فطرت بستگی نتواند داشت، لکن این حجابهای ظلمانی و نورانی که ما را و همه را از صاحب دل غافل دارد و به گمان و اشتباه خود، غیر صاحب همه مخالفتها با خدا و ابتلا به معصیتها و جنایتها و خیانتها از حب خود است که حب دنیا و زخارف آن و حب مقام و جاه و مال و منال از آن نشأت می گیرد

دل را دلداری می داند، ظلمات فوق ظلمات است.

ما و امثال ما به حجابها [ی] نورانی نرسیدیم و در حجابهای ظلمانی اسیر هستیم... شیطان که در مقابل امر خدا ایستاد و به آدم خضوع نکرد، در حجاب ظلمانی خودبزرگ بینی بود و... ما نیز تا در حجاب خودی هستیم و خودبین و خودخواه هستیم، شیطانی هستیم و از محضر رحمان مطرود، و چه مشکل است شکستن این بت بزرگ که مادر بتهاست.

و ما تا خاضع او و فرمانبردار او هستیم، خاضع برای خدا و فرمانبردار او - جل و علا - نیستیم و تا این بت شکسته نشود، حجابهای ظلمانی دریده و برداشته نشود. اول باید بدانیم که حجاب چیست که اگر ندانیم، نخواهیم توانست در صدد رفعش - یا لااقل تضعیفش - برآییم و یا لااقل هر روز به غلظت و قوت آن نیفزاییم.

در حدیثی است که «بعض اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله خدمت ایشان بودند؛ صدایی به گوششان رسید، سؤال کردند: چه صدایی است؟ فرمودند: صدای سنگی بود که هفتاد سال قبل از لب جهنم حرکت کرده بود و حال به قعر جهنم رسید. آن گاه مطلع شدند که کافری هفتاد ساله مرده است».

اگر حدیث صادر شده باشد، شاید آن بعض، از اهل حال بوده یا با تصرف رسول خدا صلی الله علیه و آله به گوششان رسیده، برای تنبیه غافلان و هوشیارای جاهلان. اگر هم حدیث - که الفاظش را یاد ندارم - صادر نشده باشد؛ لکن مطلب همین است؛ ما یک عمر رو به جهنم سیر می کنیم و یک عمر نماز - که بزرگ ترین یادگاه خدای متعال است - پشت به حق و خانه او - جل و علا - و رو به خود و خانه نفس به جا می آوریم و چه دردناک است که نماز ما که باید معراج ما باشد و ما را به سوی او و بهشت لقای او برد، به سوی خود ما و تبعیدگاه جهنم برد.

پسرم، این اشارتها نه برای آن است که امثال من و شما راهی برای معرفت الله و عبادت الله به آن گونه که حق اوست، پیدا کنیم، با آنکه از اعرف موجودات به حق تعالی و حق عبادت و بندگی او - جل و علا - نقل شده است: «ما عَرَفْنَاكَ حَقَّ مَعْرِفَتِكَ وَ ما عَبَدْنَاكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ؛ آن گونه که شایسته شناخت توست، تو را نشناخته ایم و آن گونه که شایسته بنده گیت است تو را بندگی نکرده ایم.» بلکه برای آن است که عجز خویش را بفهمیم و ناچیزی خود را درک کنیم و خاک بر فرق انانیت و انیت خود ریزیم، بلکه از سرکشی این غول بکاهیم. باشد که توفیق یابیم مهاری و لگامی بر او زنیم که از خطر عظیمی که جان را یادش می سوزاند، رهایی یابیم.

و هان! آن خطر که در لحظات آخر جدایی از این عالم و کوچ به سوی جایگاه ابدی است، آن است که آن کس که مبتلا به حب نفس است و دنبال آن حب دنیا - با ابعاد مختلف آن - است که در حال احتضار و کوچ بعض امور، بر انسان ممکن است کشف شود و دریابد که مأمور خداوند او را از محبوب و معشوق او جدا می کند، با دشمنی خدا و غضب و نفرت از او - جل و علا - کوچ کند و این عاقبت و پیامد حب نفس و دنیاست و در روایات اشاره به آن شده است.

شخصی متعبد و مورد وثوق نقل می کرد که «بر بالین محتضری رفتم و او گفت: ظلمی را که خدا بر من می کند، هیچ کس نکرده، او مرا از این بچه هایم که با خون دل پرورش دادم، می خواهد جدا کند. و من برخاستم و رفتم و او جان داد».

شاید بعض عبارات که نقل کردم، اختلاف مختصری با آنچه آن عالم متعبد گفتند، داشته باشد. در هر صورت، آنچه گفتم اگر احتمال صحت هم داشته باشد، به قدری مهم است که انسان باید برای چاره آن فکری بکند.

هر اصلاحی نقطه اولش خود انسان است. اگر چنانچه خود انسان تربیت نشود نمی تواند دیگران را تربیت کند

اهمیت خودسازی

امام راحل (ره) در مورد اهمیت خودسازی می فرمودند: هر اصلاحی نقطه اولش خود انسان است. اگر چنانچه خود انسان تربیت نشود نمی تواند دیگران را تربیت کند و شما دیدید که در آن طول سلطنتها از اول تا حالا و این سلطنتهای اخیری که بسیاریان همه اش را درک کردید، و بعضی از شما بعضی اش را، که چون کارها دست اشخاصی بود که تربیت اسلامی نداشتند و خودشان درست نشده بودند، برای خاطر همین نقیصه بزرگ، کشور ما را کشاندند به آنجایی که ملاحظه می کنید و ملت ما را هم کشاندند به آنجایی که سالها باید طول بکشد تا اینکه ان شاء الله اصلاح بشود. از این جهت آن چیزی که بر همه ما لازم است ابتدا کردن به نفس خودمان است و قانع نشدن به اینکه همان ظاهر درست بشود. و از قلبمان شروع کنیم، مغزمان شروع کنیم و هر روز دنبال این باشیم که روز دوممان بهتر از روز اولمان باشد. و امیدوارم که این مجاهده نفسانی برای همه ما حاصل بشود و دنبال آن مجاهده برای ساختن یک کشور.

با خدا بساز، کارت درست می شود

آیت الله العظمی بهجت می فرمودند: ما خودمان حاضر نیستیم خودمان را اصلاح بکنیم. اگر خودمان را اصلاح بکنیم، به تدریج همه بشر، اصلاح می شوند.

ما می خواهیم اگر دلمان خواست دروغ بگوییم؛ اما کسی به ما حق ندارد دروغ بگوید؛ ما ایذاء بکنیم دوستان خودمان را، خوبان را؛ اما بدها حق ندارند به ما ایذاء بکنند.

بابا با خدا بساز، کار را درست می کند. چرا در خلوت و جلوت، دلت هر چه می خواهد می کنی؟